

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه	: فکوهی، ناصر، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: هویت و بی‌هویتی شهر: مجموعه یادداشت‌ها، گفت و گوها و جستارهایی درباره شهر و شهرنشینی / ناصر فکوهی؛ ویراستار ادبی فاطمه رشوند.
مشخصات نشر	: تهران: شهرداری تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۴ ص.
شابک	: ۳۵۰۰۰۰ ریال ۵-۰۱-۷۵۰۲-۶۲۲-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان دیگر	: مجموعه یادداشت‌ها، گفت و گوها و جستارهایی درباره شهر و شهرنشینی.
موضوع	: شهرنشینی -- ایران
موضوع	: Urbanization -- Iran
موضوع	: جامعه‌شناسی شهری -- ایران
موضوع	: Sociology, Urban -- Iran
موضوع	: شهرنشینی -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Urbanization -- Iran -- Social aspects
موضوع	: شهرسازی -- ایران -- طرح و برنامه‌ریزی
موضوع	: City planning -- Iran -- Design
شناسه افزوده	: شهرداری تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران
شناسه افزوده	: Tehran Municipality, Tehran Urban Planning and Research Center
رده بندی کنگره	: HT۳۸۴
رده بندی دیویی	: ۳۰۷/۷۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۵۲۶۸۵



مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

هویت و بی‌هویتی شهری
 تألیف: ناصر فکوهی، استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران ۱۳۳۵
 صفحه‌آرایی و طراحی جلد: موسسه فرهنگی و هنری نگاه نو تهران
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 بها: ۳۵۰۰۰ ریال
 ناشر: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران
 شابک: ۵-۰۱-۷۵۰۲-۶۲۲-۹۷۸
 کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

نشانی: خیابان شریعتی، خیابان پل رومی، خیابان شهید اکبری، نبش خیابان آقابزرگی، شماره ۳۲
 کدپستی: ۱۹۶۴۳۵۶۱۱
 تلفن: ۲۲۳۹۲۰۸۲
 rpc.tehran.ir
 info.rpc@tehran.ir

هویت و بی هویتی شهری

مجموعه یادداشت‌ها، گفت‌وگوها و جستارهایی
درباره شهر و شهرنشینی

ناصر فکوهی

استاد دانشگاه تهران

انتشار کتاب در نشست شماره ۲۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

شورای چاپ و نشر شهرداری تهران

به تصویب رسیده است.

۱	سخن نخست
۳	پیشگفتار
۷	فصل اول: شهر، خرده‌فرهنگ، هویت
۳۷	فصل دوم: شهر، شهروندی، مدرنیته
۱۰۵	فصل سوم: شهر و معنا
۱۳۵	فصل چهارم: شهر و هنر
۱۵۷	فصل پنجم: شهرنشینی در ایران
۲۵۳	پیوست‌ها

سخن نخست

شهر در ایران امروز، به زیستگاه اصلی همه ما تبدیل شده است. نه تنها میزان شهرنشینی نزدیک به هشتاد درصد می‌رسد، بلکه در آن بیست درصد باقیمانده نیز، ما با ورود گسترده عناصر شهری در روستاها روبرو هستیم که در طیفی از دسترسی‌های نزدیک و ارزان قیمت به شهرهای اطراف گرفته تا ورود تمام ابزارهای فناورانه رفاه شهری به آن‌ها، همراه بوده است. در این حال پرسش اساسی این است: آیا واقعاً می‌توان یک روستا را که دارای تمام خدماتی چون برق، آب لوله کشی، گاز، فاضلاب، تلفن، اینترنت و... بوده و مردمش دائم با شهر در تماس هستند و بسیاری شان حتی دیگر کار کشاورزی نمی‌کنند، باز هم یک روستا دانست؟ این پرسشی است که به زحمت می‌توان به آن پاسخ مثبت داد. اما شهرنشینی به معنی سکونت در شهر، هم با شهروندی (citizenship) در معنای سیاسی و اقتصادی آن؛ یعنی برخورداری از محیطی با مدیریت برون آمده از شرایط دموکراتیک و عقلانی متفاوت است و هم به خصوص با شهرمندی (civism)؛ یعنی قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی که به این ساکنان زیستگاه جدید صنعتی و فراصنعتی، امکان همزیستی مسالمت‌آمیز و در آسایش را برای همه آن‌ها می‌دهد. اینجاست که ما با مشکلات بی‌شماری روبرو می‌شویم که به نظر، محور اصلی اکثریت آن‌ها ضعف و نارسایی و یا کمبود هویت‌ها و تعلق‌های شهری است. اینکه چرا این ضعف وجود دارد، موضوعی است که مقالات و یادداشت‌ها و گفت‌وگوهای این کتاب در پی پاسخ دادن به آن بوده‌اند. فراموش نکنیم که پایتخت ما، شهری بود که در فاصله‌ای بیست ساله از ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ از جمعیت تقریباً یک و نیم میلیون نفر به جمعیت چهار و نیم میلیون نفر رسید و سپس در طول

چهل سال گذشته به کلانشهری عظیم نزدیک به نه میلیون جمعیت تبدیل شد که تقریباً در همه زمینه‌های شهری از مدیریت فناوری تا بهداشت، آموزش، اختلافات همسایگی و ... دارای مشکل است. از این رو کتاب حاضر شاید بتواند پاسخی اجتماعی در این زمینه‌ها را به خواننده عرضه کند. طرح دیدگاه "تهران شهری برای همه" در راستای شکوفایی تهران و همچنین برنامه‌ریزی از پایین به بالا و توجه به هویت و سایر عوامل اجتماعی و فرهنگی در مدیریت شهری بوده است. امیدوارم تالیف و انتشار این کتاب بتواند توجه جدی مدیریت شهری را به مقوله "هویت شهری" معطوف سازد. اگر "انسان" را کانون نظام برنامه‌ریزی شهری بدانیم "هویت شهری" به طور قطع یکی از عوامل تقویت کننده "برنامه‌ریزی شهری انسان‌گرا" خواهد بود.

محمدحسین بوچانی
رییس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران

از شهر تا فرهنگ

سخن گفتن از «فرهنگ» در همه ابعاد، موارد و همه بهانه‌ها از فرط تکرار، امروزه در زبان ما به امری آشنا و گاه حتی آزاردهنده تبدیل شده است؛ گویی واژه‌ای معجزه‌آسا کشف کرده باشیم که با اتکا به آن بتوان همه گره‌ها را در سردرگم‌ترین کلاف‌ها از هم گشود، هر در بسته‌ای را باز کرد و هر مانع سرسختی بر سر راه و به سوی اهداف واقعی یا خیالی را از میان برداشت. برای آنکه نسبت به این ادعا قانع شویم، کوشش زیادی لازم نیست، کافی است نگاهی به عناوین اصلی و فرعی مطبوعات، رسانه‌ها، کتاب‌ها و حتی گفت‌وگوهای خیابانی بیندازیم و یا حتی اسامی کتب منتشرشده در حوزه علوم اجتماعی و انسانی را مرور کنیم و یا به شیوه‌ای جدیدتر به سراغ موتورهای جست‌وجوگر اینترنتی برویم و واژه «فرهنگ» را در آن‌ها وارد کنیم تا با انبوهی بی‌پایان و اقیانوس‌وار از اخبار، اطلاعات، مقالات، نوشته‌ها، عکس‌ها، فیلم‌ها و... با این عنوان روبه‌رو شویم. گویی مفهوم «فرهنگ» به‌نوعی داروی مسکن و سحرآمیز تبدیل شده است که برای هر دردی می‌توان آن را تجویز کرد و از آثار اولیه و ثانویه آن مطمئن بود.

حال دو پرسش اساسی مطرح است: نخست آنکه آیا این مفهوم، پدیده‌ای محلی است یا جریانی جهانی و سپس آنکه، آیا این واقعیتی مقطعی است یا حقیقتی پایدار؟ تجربه‌های مشابه با دنبال کردن واژه «فرهنگ» که در اصلی‌ترین و پرمخاطب‌ترین زبان‌های بین‌المللی ثابت است به‌سرعت نشان می‌دهند که ما در زبان‌ها، فرهنگ‌ها و پهنه‌های فکری کاملاً متفاوت و حتی دور از یکدیگری نیز با همین پدیده روبه‌رو هستیم. در حالی که آخرین

مطالعات در تاریخ علوم اجتماعی و انسانی از نیمه قرن بیستم تا امروز، گویای پایدار بودن این حرکت است که هر چه بیشتر و با عمقی هر چه ژرف‌تر، مفاهیم بر ساخته از ریشه «جامعه» و «روابط اجتماعی» را به مفاهیم جدیدی از ریشه «فرهنگ» و «مطالعات فرهنگی» می‌رسانند. از این‌رو، بیهوده و خالی از واقعیت نیست که مفهوم «فرهنگ» را دارای پیشینه و ریشه‌های استوار و چشم‌اندازهای کمابیش درازمدت بدانیم.

بنابراین باید در واژه «فرهنگ» از یک‌سو آن را از کاربرد عمومی و رایجی که بیشتر برداشتی عام و سطحی از واقعیتی بسیار عمیق است؛ دور کنیم و از سوی دیگر به این نکته توجه داشته باشیم که این مفهوم، همچون همه مفاهیم دیگر بسیار بحث‌شده در علوم اجتماعی و انسانی مانند «جامعه»، «طبقه»، «کارکرد»، «ساختار»، «الگو» و... سرچشمه و عامل بی‌پایانی برای مناقشه‌های فکری پربار بوده و هست. هیچ نگاهی به فرهنگ و به‌خصوص هیچ نظریه‌ای را در باب آن نمی‌توان جز یک نگاه در میان هزاران نگاه دیگر به شمار آورد که باید در دستگاه‌های فکری - مفهومی نظریه‌ای ویژه خود مؤلف و تحلیلگر وارد شود و به استدلال‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی دامن بزند که لزوماً با یک تحلیلگر و نظریه‌پرداز دیگر یکسان نیستند؛ اما این تفاوت اگر بتوان آن را به‌خوبی مدیریت کرد، خود قادر است، سرمنشأ ارتقای اندیشه و گشودن درهای بسیاری برای حل معضلات و مشکلات در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی شود. آنچه رویکرد ما را نسبت به مسئله فرهنگ می‌سازد، پیش و بیش از هرکجا در معنای انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و تاریخی آن به‌گونه‌ای است که از تایلر و دورکیم تا وبر، گیرتز، لوففور، برودل، هاروی، بوردی و... فرموله شده است. در این دیدگاه‌ها به‌رغم فاصله‌های بسیار زیادی که گاه در فرایند مفهوم‌سازی دارند، همگی اصولی چند را می‌پذیرند: نخست آنکه فرهنگ امری ترکیبی و مرکب از اجزایی مادی و غیرمادی است که به‌صورت تفکیک‌ناپذیری با یکدیگر ترکیب شده‌اند؛ سپس آنکه فرهنگ هر جامعه‌ای، اصل و اساسی انسجام‌یافته است که از خلال گروهی از عناصر پایه‌ای به‌ویژه عناصر مادی نهادینه همچون نظام‌های معیشتی، سیاسی و اقتصادی و غیرمادی مانند نظام‌های اعتقادی و باوری و حافظه‌های تاریخی، امکان جامعه‌بودگی را فراهم می‌کند. بنابراین، بدون فرهنگ نمی‌توان اصولاً به جامعه رسید و اگر یک شرط اساسی امکان‌پذیر شدن جامعه، وجود سازمان‌دهی جمعی برای حیات جمعی گروه‌های بزرگ انسانی و سازگاری نسبی آن‌ها با محیط است؛ شرط دیگر وجود چنین نظام‌هایی فرهنگی است که بتوانند همچون خونی در رگ‌ها و نفسی در سینه این فرایندهای ارتباط اجتماعی، گردش داشته باشند و به آن‌ها حیات ببخشند. هم از این‌روست که به باور ما درک هیچ پدیده اجتماعی بدون درک فرهنگ آن جامعه و رابطه آن فرهنگ با فرهنگ‌های دیگر همان جامعه و با فرهنگ‌های پیرامونی آن در جوامع دیگر میسر نیست و باز به همین دلیل است که روی آوردن به مفهوم فرهنگ با رشد شهرنشینی و جهانی شدن هر چه بیشتر به پدیده‌ای گسترده، پایدار و عمیق تبدیل می‌شود که البته باید به دلیل گسترش بی‌نهایت آن پیش از رسیدن به امر تلفیق، لزوماً به آن نگاهی خرد داشت. از همین‌جا به مفهوم شهر می‌رسیم. شهر

چنان «بدیهی» می‌نماید که گاه ممکن است به نظر برسد همگان آن را می‌شناسند و مسئله فقط بر سر چگونگی تجربه زیستن در شهر است و مشکلاتی که این زیستن فراهم می‌آورد و راه‌های از میان برداشتن این مشکلات. هرچند نمی‌توان منکر اهمیت این رویکرد که کاملاً کاربردی است، شد و ما خود نیز عملاً چه به‌مثابه انسان‌شناس و چه به‌عنوان جامعه‌شناس، مدام در همکاری با مسئولان شهری درگیر آن هستیم، اما باید توجه داشت که شهر، مفهومی عمیق‌تر نیز دارد. شهر ساختاری هزاران ساله است که عمر تمدن را تعریف می‌کند و می‌سازد. با این وصف، انقلاب صنعتی و انقلاب اطلاعاتی که یکی در قرن نوزدهم و دیگری در اواخر قرن بیستم رخ دادند، هر یک این مفهوم را به صورتی ریشه‌ای هم پیچیده‌تر و هم عمیق‌تر کردند و روابط جدیدی را به وجود آوردند که نه فقط به سازمان‌دهی‌های فناوریانه، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت جدید مربوط می‌شود، بلکه همچنین تمام کنشگران شهری را در قالب‌های فردی و جمعی و روابط آن‌ها را در حوزه روابط واقعی فیزیکی و کالبدی، روابط مجازی و الکترونیک، رایانه‌ای و شبکه‌ای و حتی روابط ذهنی در بر می‌گیرد.

شهر امروز به مفهومی چنان پیچیده تبدیل شده است که دیگر سخن گفتن از جامعه‌شناسی یا انسان‌شناسی شهری جز مطرح کردن پهنه‌هایی وسیع معنایی در بر ندارد. در هر یک از پهنه‌ها، امروز صدها و بلکه هزاران موضوع تحقیق، شناخت، مفهوم‌سازی و تحلیل وجود دارند؛ اما شهر واقعیتی است که یک‌سوی آن در ژرف‌ترین نقاط گذشته‌های ذهنی و مادی ما جای دارد و سوی دیگرش، در زندگی امروزی ما. اینکه ایران یکی از نخستین آغازگران تمدن و شهرنشینی در جهان بوده است و میلیون‌ها اثر باستانی که امروز در موزه‌های سراسر جهان وجود دارند؛ گواهی روشن بر این واقعیت هستند، واقعیتی که با گنجینه‌ای پر بار در ادبیات شفاهی و مکتوب، شعر، اسطوره و داستان و زبان‌دهای مردمی تکمیل می‌شود؛ اما سوی دیگر واقعیت نیز در لحظه کنونی زندگی ما قرار دارد و آن، ایران به‌مثابه کشوری است به‌شدت شهری که بدون تردید باید آن را شهری‌ترین کشور خاورمیانه به‌شمار آورد. میزان شهرنشینی نزدیک به هشتاد درصدی ایران که خود مقداری بسیار زیاد است، باز هم نمی‌تواند واقعیت را به‌گونه‌ای که ما با آن روبه‌رو هستیم نشان دهد: حتی روستاهای ما امروز به‌نوعی «روستا-شهر» هستند زیرا تقریباً به تمام شبکه‌ها و خدمات شهری دسترسی دارند.

شکی نیست که شهرنشینی معاصر در ایران روندی شتاب‌زده بوده است که با سرازیر شدن درآمد‌های نفتی طی نیم‌قرن گذشته در این کشور به وجود آمده و به همین دلیل نیز ابعاد تأسّف‌آور و منفی زیادی در خود داشته است: آسیب‌های اجتماعی، کژکارکردها، مشکلات شهری، آلودگی‌های زیست‌محیطی و ... برخی از این ابعاد نامناسب هستند؛ اما این امر نباید سبب شود که ما نیمه پر لیوان را نبینیم و آن به وجود آمدن زیرساخت‌های شهری به صورتی گسترده و شکل گرفتن یک جامعه مدنی (به معنای شهری) در گسترده‌ترین و عمیق‌ترین شکل آن در این کشور است که به نظر ما ضامن اساسی برای رشد و اعتلای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ماست. میلیون‌ها

جوانی که امروز در دانشگاه‌های کشور تحصیل می‌کنند یا از آن‌ها فارغ‌التحصیل شده‌اند؛ میلیون‌ها شهرنشین که تلاش می‌کنند هر چه زودتر خود را با پدیده بسیار پیچیده‌ای به نام شهر و به‌خصوص شهر بزرگ با تمام سازمان‌دهی و نظم سخت آن سازش دهند و زندگی جمعی را بیاموزند، راهی سخت و دشوار و گاه آسیب‌زاست؛ اما راهی است که تنها امکان برای رشد فرهنگ و بالندگی ما به حساب می‌آید. این امر البته نه فقط به معنای کم‌پنداشتن اهمیت و ارزش اشکال زیست‌غیرشهری (روستایی و عشایری) نیست، بلکه گویای آن است که این شکل‌ها می‌توانند به‌صورت جدیدی بازتعریف شوند و در نظام کاملاً جدیدی از ترکیب عوامل فرهنگی مادی و غیرمادی قرار بگیرند که بتواند از این منابع درونی بیشترین استفاده را برای ساختن آینده خود بکنند. کاری که ما هنوز چندان در آن همت نکرده‌ایم.

مجموعه مقالات، نوشته‌ها و گفت‌وگوهایی که در کتاب حاضر گرد آمده‌اند؛ طی بیش از بیست سال کار نویسنده در حوزه شهر، تدوین و نوشته شده‌اند و برخی از آن‌ها نیز حاصل کار مشترک او با دانشجویان پیشین و همکاران کنونی‌اش است. البته کل مجموعه، فقط بخشی از نوشته‌های نگارنده را درباره شهر در بر می‌گیرد که بخش‌های دیگری از آن در کتاب‌های دیگر ارائه شده‌اند. دلیل اصلی انتشار کتاب حاضر به‌صورت یک مجموعه در اختیار گذاشتن نوشته‌های پراکنده‌ای بوده است که لزوماً در زمان‌ها و چارچوب‌های متفاوتی عرضه شده‌اند، اما در اینجا تلاش کرده‌ایم آن‌ها را در حد امکان در یک جا گرد آوریم و به آن‌ها انسجام بدهیم. در این کار، همکار عزیزم سرکار خانم زهره دودانگه، زحمت اصلی را برای ویرایش علمی کار و تنظیم نوشته‌ها و گفت‌وگوها کشیدند و مثل همیشه سرکار خانم فاطمه سیارپور از مدیران انسان‌شناسی و فرهنگ، ویرایش نهایی و نظارت لازم را برای انتشار کتاب بر دوش داشتند و همچنین همکاران مرکز مطالعات فرهنگی-اجتماعی شهر تهران که کار نهایی انتشار و چاپ کتاب را انجام دادند و از همکارانم خانم آن رولن (دانشگاه ناتر)، خانم سپیده پارساژوه (مرکز ملی مطالعات علمی فرانسه) و خانم زهره دودانگه که اجازه انتشار مقالاتشان را در پیوست کتاب حاضر دادند؛ تشکر کنم. این تشکر و قدردانی از همه دوستانی که ممکن است در این مقدمه نتوانسته باشم، نامی از آن‌ها به‌طور مشخص بیاورم نیز ضروری است. کتاب پیش رو همچنین حاصل کار بسیاری از دوستان جوان است که به‌مثابه خبرنگار، ویراستار و مدیران انتشارات مجلات و نشریات در برانگیختن موضوع و به سرانجام رساندن مقالات، مطالب و گفت‌وگوها تلاش بسیار کردند و باید از سعی و کوشش آن‌ها نیز قدردانی شود. روشن است که کتاب حاضر نیز همچون هر کاری خالی از نقص و کاستی‌های بسیار نخواهد بود و انتظار می‌رود دوستان با هدایت خود به هرگونه که صلاح می‌دانند به ما در بهبود آن در نسخه‌های جدیدتر یاری رسانند.